کهنه میدان‌های تهران

برخلاف آنچه مشهور است؛ میدان کلمه فارسی است و عرب ها از ایرانیان گرفته اند و جمع عربی آن را میادین می گویند و اتفاقاً در فارسی امروزه هم گاهی این جمع عربی را به غلط به کار می برند؛ در صورتی که جمع درست میدان، میدان هاست. میدان فارسی گاه برای رزم، گاه برای خرید و فروش، گاه برای نمایشگاه و مانند آن به کار می رود. در زبان فارسی مثل های زیادی درباره میدان گفته شده، از قبیل: میدان داری یا از میدان در رفتن و یا به میدان آمدن و یا اسب به میدان کشیدن و همه این مباحث می رساند که کلمه میدان از خیلی قدیم در ایران به کار رفته است. در تهران خودمان چه قدیم و چه حالا میدان های مشهوری بوده و هست و اینک مختصری از سرگذشت بعضی از میدان های قدیم تهران که شنیدنی است.

[روح الله مهر پارسا]

در زبان فارسی اسب و استر را مال می گویند. پائین تر از بقعه سید اسماعیل ونزدیک بازار دروازه میدانی بود که در آن جا مال (اسب، استر و شتر) معامله می کردند. آن روزها اعیان تهران سوار اسب می شدند و تجار یا قاطر به حجره می رفتند.

● میدان مال فروش ها

در بیش از یک قرن گذشته، به جای دفتر معاملات اتومبیل امروزه، فقط یک میدان مال فروشی در تهران بود. روزها صبح اول وقت، چه بارانی، چه برفی، چه آفتابی، عده زیادی مالدار مال های خود را بدون زین و پالان، فقط با یک دهنه یا به اصطلاح آب خوری به میدان می آوردند. خودشان زیر سایه بان یا سقفی می نشستند، چپق یا قلیان می کشیدند، چایی می خوردند، گرم صحبت می شدند، افسار و یا دهنه مال به دست آنها بود. یک مشت دلال هم در اطراف میدان می دویدند و میدان داری می کردند که: «آی پول حلال، اسب عربی داریم، اسب ترکمنی داریم، اسب کهر داریم، الاغ داریم، قاطر سواری داریم.» مشتری ها هم با نوکرها و کیسه های پول وارد میدان می شدند. در قدیم رسم بود که مال را با پول طلا و نقره معامله می کردند، می گفتند اسکناس برکت ندارد. اگر خریدار سوارکار بود، خودش سوار مال برهنه می شد و دور میدان می تاخت، و گرنه دلال این کار را انجام می داد. آن وقت نوبت تعیین سن می شد و با چیزی مانند کلبتین دهان حیوان را باز می کردند، دندانهایش را می شمردند، تیزی و صافی آن را معاینه می کردند.

اگر دندان های جوخوری صاف شده بود، معلوم می شد مال خیلی پیر است. معامله با شرط سه جوخور انجام می گرفت، یا خریدار تا سه شب مال را نگاه می داشت، سه بار به حیوان جو می داد، اگر پسندش می شد، قبول می کرد والا حق داشت بلافاصله روز سوم مال را پس بدهد. به هرحال همین که معامله سرمی گرفت، اول از همه مال را می آوردند بازار آهنگرها نعل می کردند، بعد هم داغ می کردند، یعنی یک تکه آهن که اسم صاحب و یا علامت مخصوص بر روی آن بود توی آتش سرخ می کردند و به کفل حیوان می زدند و بعد روی آن حنا می گذاشتند و از آنجا این مثل فارسی آمده که، «بوی کباب شنیده ای، ولی خرداغ می کنند!»

روی کفل اسب های شاهی علامت تاج داغ می کردند و دم اسب های شاهی را با جوهر قرمز رنگ می کردند. بعد سراغ زین و برگ و پالان و تشکچه و افسار و زنجیر و کاب می رفتند و همه این لوازم در بازار پالاندوزها مجاور میدان مال فروش ها پیدا می شد. بیرون میدان مال فروش ها هم عده ای با طشت های پر از حنای خیس کرده نشسته بودند و دست و پا ویال و کله مال ها را به طور مخصوص حنا می بستند گاه هم به گردن حیوانات با حنا گل و بوته می انداختند. این میدان که با ورود ماشین بتدریج رونق خود را از دست داد چهل سال پیش برای همیشه جمع شد.

● میدان کهنه چین ها

میدان کهنه چین ها کمی دورتر از میدان مال فروش ها و نزدیک دروازه کهنه شهر ری بود. بیشتر سوداگران این میدان کلیمی بودند. البته مسلمان هم در موازات این میدان در جنوب غرب تهران قدیم انتهای خیابان امیریه نزدیک ایستگاه راه آهن فعلی هم میدان بزرگی بود که آن را میدان گمرک می گفتند. تمام کالاهایی که از شهرستان ها یا کشورهای خارج به تهران می رسید از دروازه مقابل میدان مشهور به دروازه گمرک وارد آن میدان می شد.

آن سال ها که هنوز خبری از کامیون یا کامیونت و وانت نبود کلیه بارهای انتقالی از اطراف تهران به وسیله شتر به میدان امین السلطان آورده می شد

پس از دوران قاجاریه بتدریج میدان از پامنار به میدان امین السلطان پائین تر از چهار راه مولوی فعلی و شمال بقعه سر قمرآفا منتقل گردید. بازار و میدان امین السلطان از تأسیسات ابراهیم خان امین السلطان پدر میرزاعلی اصغرخان اتابک اعظم نزدیک دروازه قدیم حضرت عبدالعظیم بنا شد. این میدان بزرگ مخصوص بارانداز بارهای علافی و میوه و سبزی و صیفی جات بود. امین السلطان دوم میدان را گسترش داد و تا مدتی تمام غمرک درست می کردند و نوعی کاغذ از آن می ساختند. یکی از متاع های رایج این میدان بقچه چهل تکه، روبه لحاف صد تکه و امثال آن بود، به این ترتیب که زن های کدبانو صد تکه پارچه رنگارنگ را با رعایت ذوق و تناسب به هم می دوختند و از آن یک روبه لحاف و یا یک بقچه درست می کردند. میدان کهنه چین ها با شکل گرفتن میدان سید اسماعیل که در فاصله یک کیلومتری آن قرار داشت حدود ۱۳۰۰ شمسی از فعالیت بازماند.

● میدان امین السلطان

اولین میدان تره بار تهران در پامنار به دلیل نزدیکی به دروازه شمیران متمرکز بود. معمولاً بارها که از شهرستان ها می آمد شب هنگام به دروازه می رسید کاروانیان تا اذان صبح استراحت نموده با گشوده شدن دروازه ها در صبح بارها را به میدان پامنار منتقل می کردند. البته به میان آنها پیدا می شد. در میدان کهنه چین ها لحاف پاره، تشک پاره، قبای پاره روی هم انباشته بود، بعضی از این کهنه ها را با چاقو ریشه ریشه می کردند و بعداً وزن می کردند و برای کف گیوه می فروختند. از بعضی دیگر برای مشعل ها گرز کهنه ای درست می کردند. بعضی دیگر را دلال ها می خریدند، از آن خمیر درست می کردند و نوعی کاغذ از آن می ساختند. یکی از متاع های رایج این میدان بقچه چهل تکه، روبه لحاف صد تکه و امثال آن بود، به این ترتیب که زن های کدبانو صد تکه پارچه رنگارنگ را با رعایت ذوق و تناسب به هم می دوختند و از آن یک روبه لحاف و یا یک بقچه درست می کردند. میدان کهنه چین ها با شکل گرفتن میدان سید اسماعیل که در فاصله یک کیلومتری آن قرار داشت حدود ۱۳۰۰ شمسی از فعالیت بازماند.

● میدان امین السلطان

اولین میدان تره بار تهران در پامنار به دلیل نزدیکی به دروازه شمیران متمرکز بود. معمولاً بارها که از شهرستان ها می آمد شب هنگام به دروازه می رسید کاروانیان تا اذان صبح استراحت نموده با گشوده شدن دروازه ها در صبح بارها را به میدان پامنار منتقل می کردند. البته به اینیه عبارتند از کاروانسرای خانات، بازارچه عباس پرندی و کاروانسرای امین السلطان بار می آوردند و یا مشتری و یا بارفروش بودند در صورت نیاز به غذا به این مراکز مراجعه می کردند؛ در بازار امین السلطان قهوه خانه «شاغلام» و چلوکبابی عباس شمرونی و نزدیک چهارراه مولوی طباخی حاج حسنعلی کله پز؛ البته در حال حاضر این مراکز دیگر وجود خارجی ندارند. با فوت صاحبانشان فرزندان دنبال کار پدر را نگرفتند. میدان امین السلطان در سال ۱۳۳۵ شمسی به باغ جنت واقع بین خیابان ری و خیابان صاحب جمع منتقل شد.

● میدان سید اسماعیل

میدان سید اسماعیل یا بازار خنزرپنزری ها جنوب شرقی بقعه سیداسماعیل بین چهارراه مولوی و چهارراه سیروس (مصطفی خمینی) واقع شده، این میدان بعد از برچیده شدن میدان کهنه چین ها از سال ۱۳۰۰ شمسی شکل گرفت؛ تنها میدان باقی مانده از گذشته است که هنوز نفس می کشد و ویژه فروش اجناس دست دوم و کهنه است. در گذشته چهار قهوه خانه در حوالی میدان قرار داشت که محل تجمع دستفروش ها و در حقیقت بازار مکاره ای برای رد و بدل کردن و خرید و فروش اجناس دست دوم به حساب می آمد. این چهارقهوه خانه عبارت بود از قهوه خانه «سید قرآب» در خیابان سیروس کوچه حمام گلشن، قهوه خانه «اکبر سیداسمال» در میدان سید اسماعیل، قهوه خانه «حاج علی گوله» بازار نجارها و قهوه خانه «اکبر کل قم دلی» جنب موزه آب انبار سابق. این قهوه خانه ها در حال حاضر وجود خارجی ندارند، تنها قهوه خانه موجود که همچنان در آن خرید و فروش اجناس دست دوم انجام می پذیرد؛ قهوه خانه «باغچه» واقع در غرب میدان سید اسماعیل در بازار نجارها کوچه چهل تن قابل ذکر است. این قهوه خانه نزدیک به نیم قرن سابقه دارد، اجناسی که در باغچه عرضه می شود همه اش ایرانی است که بیشتر آن را از طریق مزایده های هلال احمر خریداری می کنند اجناسی که از محل کمک های مردمی به دست می آید اما به درد هلال احمر نمی خورد. تنها قهوه خانه موجود در میدان، قهوه خانه «حاج حسن» است که ناهارها با دیزی مخصوص و نیمروی فرد اعلا شد. در سال ۱۳۵۷ هم طرح ساخت بزرگترین قرآن را ریخت که با همکاری چند تن از هنرمندان شروع به کار کرد؛ که صفحات این قرآن ۵/۱ متر×۸۰سانتیمتر بود که از بهمن ۵۷ با تعطیلی موزه پروژه قرآن هم متوقف گردید. شایسته است اکنون که در ماهی به سر می بریم که روز جهانی موزه در آن قرار دارد؛ با توجه به شرایط محلی و محیطی آب انبار سید اسماعیل، تبدیل به مرکزی شود به نام «موزه خیمه گاه» که در حقیقت پژوهشگاه دائمی تعزیه و سوگواره حسین(ع) باشد و نمونه هایی از وسایل تعزیه و عزاداری در تهران و شهرهای مختلف ایران به نمایش گذاشته شود. بسیاری از بزرگان آئین تعزیه و خادمان پیشکسوت تکایای حسینی بویژه واعظان و مداحان (قدیمی) خاطراتی دارند که اگر ثبت نشود قطعاً با گذر زمان به فراموشی سپرده خواهد شد. به عنوان تاریخ شفاهی عزاداری حسینی توسط این موزه با این عزیزان صحبت شده و در آرشیوهای خاص گردآوری و حفظ شود.

میدان سید اسماعیل یا بازار خنزر پنزری‌های جنوب شرقی بقعه سیداسماعیل تنها میدان باقی مانده از گذشته است که هنوز نفس می‌کشد

میزبان مشتری های گرسنه است. در شمال و شمال غرب میدان به غیر از بقعه سید اسماعیل دو اثر تاریخی و ارزشمند وجود دارد. ابتدا می توان بادی از مسجد و مدرسه «فیلسوف الدوله» نمود که متعلق به یکصد و هشتاد سال پیش است. امام جماعت معروف سال های اخیر مسجد مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد رضا تنکابنی (پدر خطیب توانا مرحوم حاج آقا فلسفی) بود که در سن ۱۰۲ سالگی در سال ۱۳۸۵ قمری بدرود حیات گفت. اثر تاریخی دیگر واقع در شمال میدان آب انبار معروف سیداسماعیل است. ساختمان اولیه آن در عصر سلجوقیان و سلطنت طغرل اول به سال ۵۵۰ هجری قمری بنا گردید؛ اما بعدها متروکه شد. حدود یکصد و شصت سال پیش به همت حاج میرزا عیسی وزیر تهران مجدداً آب انبار بازسازی شد و کلیه محلات اطراف مثل بازار سرپولک، گذرباشی، بازار دروازه و بخش هایی از چاله میدان از آن بهره برداری می نمودند.

بنا به نظر کارشناسان این آب انبار عظیم ترین فضای ساختمانی را دارد که متأسفانه بدون بهره وری رها شده. در سال ۱۳۵۰ شمسی آب انبار سیداسماعیل توسط شخصی به نام حاج حسن آقا جانی گلابگیر از اداره اوقاف تهران اجاره گردید که آنجا را تبدیل به موزه نماید و در این تصمیم هم موفق شد. این موزه می تواند محل نمایش نمونه هایی از وسایل عزاداری به عنوان نماد یک فرهنگ در طول تاریخ باشد.

این موزه میزبان کسانی خواهد بود که می خواهند مروری گذرا بر تاریخ تعزیه و سوگواره حسین(ع) داشته باشند. افراد علاقه مند نیز می توانند اسناد و مدارک قدیمی و عکس های تاریخی در مورد تعزیه و عزاداری جهت نگهداری بهتر به این موزه اهداء نمایند. بدون شک جای چنین موزه ای در تهران خالی است. با عنایت شهرداری تهران به امور فرهنگی و ارزشی و همچنین مشارکت بیشتر شرکت توسعه فضاهای فرهنگی شهرداری تهران به فعالیت های فرهنگی و نیاز پایتخت به چنین مراکزی؛ نظر شوراي شهر و کمیسیون های فرهنگی مسئول را به این پیشنهاد جلب می نماید؛ با این عنایت که تهران با از دست دادن ساختمان باشکوه «تکیه دولت»، در حال حاضر بخوبی می تواند با بهره برداری بهینه از آب انبار سید اسماعیل این خلأ را در فضایی محدودتر جبران کند.

یک جدول با دو شرح ۳۹۱۷

جدول روزنامه ایران دارای دو شرح «عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دوشرح ابتدا یکی از شرحها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عادی

افقی:

۱- یار آپسال- بزرگترین غار آبی آسیا که در شهر پاوه واقع است
۲- کله و سر- تساوی ریاضی- کتاب ایوان تورگنیف
۳- از ماه های سریانی- ارادتمند- آشکار
۴- لاک پشت کارتونی- سوره سی و ششم- پاپوش سنتی
۵- یالا بر ماشین- مرغابی- دوری از مسابقه- صدای مرغابی
۶- اندک- پدر شعر نو- قمر
۷- موضعی در مکه- شهری در استان لرستان- شهری در چرخ خیاطی
۸- شهری در اتیوپی- زینت ناخن- ساده لوح
۹- جست وجو- خطیب و رهبر انقلابی شهیر فرانسوی- مردم یک کشور
۱۰- سلاحی که می کارند- منسوب به نبی- موشک آلمانی
۱۱- صنم- غلاف شمشیر- زعفران- پشت سر، خلاف پیش
۱۲- جهانگرد- یک دانه اما عامیانه- پدر مردگان
۱۳- نادانی- چاشنی صبحانه- فرمانروایان، جمع امیر
۱۴- پروردگارا- به آرزو رسیده- قسمتی از پا
۱۵- بالگرد- شیوع یک بیماری

عمودی:

۱-عاقبت، پایان- پسر کوروش کبیر
۲- بی دین- آخر چیزی- تالار بزرگ
۳- سخت نیست، سهل- گنجور افسانه ای- مرکز استان مازندران
۴- مردان- باران کم- سازی که با لب نواخته می شود
۵- اصل هر چیز- تخت سلطنت- مقاصد و اهداف
۶- یله عرب- سطل آبکشی از چاه- حلال شرعی- فنجان قوه
۷- زردآلوی آذری- گاز موجود در سطح خورشید- بازنده شطرنج
۸- پاک و منزه- فقر و بی چیزی- چشمداشت، انتظار
۹- فرزند- درشکه هندی- پیشوا
۱۰- طریق کوتاه- سلول
تولید مثل- پدر شهرستانی!- مخفف آواز
۱۱- بصیر- آشکار- بالا به گویش عموسام
۱۲- نام رودی در گلپایگان- من و شما- جهان
۱۳- پایتخت کشور توگو- بندری در کشور سوئد- یاغیگری، نافرمانی
۱۴- کار، شغل دیوانی- خوردنی، خوراک- سدی در استان آذربایجان شرقی
۱۵- رودی مهم در آسیا- جزیره استرالیایی

جدول ویژه

افقی:

۱- شهری در برزیل- اثری از سینکلر لوئیس نویسنده آمریکایی
۲- دم- معادل فارسی اتیکت- پاپوش سنتی
۳- سعی و کوشش- پوسیده- شهری در استان فارس
۴- خوردنی، خوراک- یازده!- بیماری سگی
۵- صدمه و نقص- از گلهای زینتی- بشر- ضربه سر
۶- برادر مادر- باوقار- گاز تنفسی
۷- حرکتی در فوتبال- اورشلیم- بانگ جانور درنده
۸- فرق سر- ساکنان خانه- سمبل
۹- نوار ضبط صوت- ننوی بچه- جاده، طریق
۱۰- بیماری خطرناک و کشنده- همان آرامش است- خرمن ماه
۱۱- دختر- جدید، نو- حکومت عصر هیتلر- بی حس
۱۲- بدکار- تیره ای از عرب- وظیفه درخور دانش آموز
۱۳- پوشیده نگه داشتن- بالش و زیر سری- پیشوا
۱۴- محبوب سلطان محمود- آغاز فصل سرسبزی- جد قوم عاد
۱۵- عصب شناسی- از شهرهای صنعتی مشهور چین

عمودی

۱- خواهر حضرت مریم- حرکتی در جودو
۲- آسمانها- نوشتن- ضربات همراه با پرش در تکواندو
۳- جمع ناسک- آنچه موجب آرامش خاطر شود- حساب
۴- خرقه دراویش- همسر اسکارلت- وسیله توزین
۵- شبکه رایانه ای- بی دین- رودی در آلمان
۶- سم- خونبها- رختشوی- دل آزار کهنه
۷- فرصت- بیم، هراس- حالتی از آینه
۸- جهان- گیج و سرگشته- درخت بهشت
۹- جمع امت- رهبر خونخوار قوم هون- از خنده می روند
۱۰- من و شما- کادو، تحفه- آزاد- پسوند مخصوص ساخت صفت
۱۱- پوششی زنانه- آخر چیزی- علامت مفعول بی واسطه
۱۲- بخشی از سیستم گوارش شخوار کنندگان- نیز- قشون و سپاه
۱۳- جزیره ایرانی استان هرمزگان- پایتخت کشور زیمبابوه- زبان کوچک
۱۴- صدا، نغمه- آشکار- بازیکن آزاد در والیبال
۱۵- شهری در خراسان جنوبی- اثری از ماکسیم گورکی

حل جدول عادی شماره ۳۹۱۶

حل جدول ویژه شماره ۳۹۱۶

جمهوری اسلامی ایران
وزارت راه و ترابری
سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای به شماره ۸۷/۷۵/۱۱۴

موضوع: احداث ساختمان قانون تردد سازمان استان قزوین با برآورد ۹/۰۷۷/۳۸۸/۸۱۶ ریال

تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به صورت ضمانتنامه بانکی و یا فیش واریزی می باشد.

مهلت و محل دریافت اسناد: تا تاریخ ۸۷/۲/۲۵ به نشانی تهران، خ ولیعصر، نرسیده به میدان ولی عصر، خ دمشق شماره ۱۹ طبقه سوم آقای احمدی یا در دست داشتن معرفینامه

تاریخ و محل دریافت پیشنهادات: تا ساعت ۱۴/۳۰ مورخ ۸۷/۳/۵ به دبیرخانه مرکزی سازمان در قبال اخذ رسید

تاریخ بازگشایی پیشنهادات: مورخ ۸۷/۳/۵ ساعت ۱۵ در طبقه ۱۴ می باشد.

جهت کسب اطلاعات می توانید به سایت http://iets.mporg.ir رجوع نمایید.

سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای کشور
دبیرخانه کمیسیون معاملات

۶/۸۲۳